

دربچه

وقتی قطب‌نما گم شده باشد

فهمی هویدی

■ برخی از روزنامه‌های مصر عنوان اصلی خود را در شش ستون به این تیتز اختصاص دادند که: «لسامه بن لادن در میدان التحریر» در زیر این عنوان تصویری به چشم می‌خورد که از بن‌لادن بود و زیر آن نوشته شده بود: خدا رحمت کند شیخ‌المجاهدین اسامه بن‌لادن را، باید منتظر پاسخ‌های در دناک ما باشیید. روزنامه دیگری در صفحه نخست خود تیتز دیگری آورده بود: «نجیل را به نمایندگی از همه مسلمانان تکه‌پاره کردم» در زیر این عنوان به نقل از شخصی آمده بود: «فقه بعد نوه کوچکم را می‌آورم تا دربرابر کلیسا به انجیل [...] کُندا»

در تیتز یکی دیگر از روزنامه‌ها به نقل از یک سخنران میدان التحریر آمده بود: «قبر آمریکایی‌ها را خواهیم کند. به همه مسیحیان جهان هشدار می‌دهیم» روزنامه دیگری در صفحه نخست خود پیامی را از «ایمن الظواهری» چاپ کرده بود که در آن درباره‌امکان آتش‌بس بین مسلمانان و کشورهای غربی گفته بود: «صلح در برابر عقب‌نشینی از تمام سرزمین‌های ما» در لابه‌لای متنی که از الظواهری منتشر شده بود و یادآور می‌شد که این پیشنهاد را نه از روی ضعف و تسلیم بلکه برای «ایجاد صلح

برمبنای قوانین شرعی» مطرح می‌کند.

وقتی کسی این تیترها و نشانه‌ها را می‌خواند این احساس به او دست می‌دهد که به راستی جهت‌یاب گم شده است. برخی از تربیین‌های رسانه‌ای در واقع معیار خود را از دست داده‌اند. هدف آنها گویی چیزی جز تحریک احساسات و تشدید هیجانات نیست. البته کسانی هم که ادعا می‌کردند بن‌لادن در میدان التحریر است، می‌خواستند این احساس را تداعی کنند که آنچه اتفاق افتاده به دلیل هوداری از بن‌لادن بوده است نه به دلیل اسلام. یا اینکه القاعدای که می‌گویم در مصر حضور ندارد هم‌اکنون در میدان التحریر خود را نشان می‌دهد. کسانی نیز که صحبت‌های آن مرد را درباره پاره کردن انجیل منعکس کرده بودند درواقع یک عضو گروه‌های افراطی را گرفته و حرف‌های نسنجیده او را به عنوان اصلی روزنامه خود تبدیل کرده بودند. شاید به این قصد که قبضی‌های مصر را تحریک کنند یا آنها را وادارند تا نسبت به کتاب مقدس‌شان غیرت نشان دهند. درحالی که حرف‌های او فاقد کمترین احساس مسوولیت یا ذوق سلیم بود. من تردیدندارم کسانی که خواستار برخورد با مسیحیان بودند، نشنیده‌اند که کلیسا دربرابر آن فیلم موهوم موضع‌گیری و آن را محکوم کند از این رو پایمد این حرف‌های سخیف را درمی‌یابند. اما هشدار می‌را که الظواهری داد یک نمونه دیگر از سهل‌انگاری و بی‌مسوولیتی ناشرانش باید تلقی کرد زیرا کسی که خود را در غارهای افغانستان مخفی کرده است به گونه‌ای سخن می‌گوید که انگاری یک ابرقدرت است و دیگران را تهدید کرده و هشدار می‌دهد که اگر با شرایط او صلح در پیش نگیرند ضربات علیه آنها! توقف‌ناپذیر خواهد بود و بالاخره این ضربات کار خود را خواهد کرد. ولی ما می‌دانیم که ضربات پادشده چیزی بیش از یک‌سری تظاهرات نیست؛ تظاهراتی که در تعدادی از کشورها بعضی شرکت‌کنندگان تلاش داشتند به سفارتخانه‌های آمریکا حمله کنند و در یک مورد هم سفیر آمریکا در بنغازی کشته شد.

به نظر من برخی از مطالبی را که این ایام روزنامه‌ها نوشتند، نباید بیش از یک یا دو سطر درباره آنها نوشته می‌شد آن‌هم فقط جهت اطلاع. برخی دیگر اصلا نباید منتشر می‌شد. حتی برای مثال دریک روزنامه دیواری که در سطحی محدود منتشر می‌شود. اما متأسفانه دنباله‌روی و تحریک احساسات مردم کاری است که برخی باارتکاب آنها فقط هرج و مرج را دامن می‌زنند.

البته رسانه‌های دیداری نیز از این امر مستثنا نبودند. حتی برخی از کانال‌های تلویزیونی مسلمان و مسیحی نیز به همین شیوه‌ها یعنی تحریک و تهییج مردم متوسل شدند که فضا را برای هرج‌ومرج و ایجاد نفرت و کینه‌توزی بیشتر فراهم می‌کرد. در جایی که تظاهرات‌کنندگان خارج شده و سفارت آمریکا را هدف قرار داده بودند من متأسفانه کردم که گویی در تصورشان داشتند با خود ایالات‌متحده آمریکا می‌جنگیدند یا در حال ورود به یک جنگ مقدس علیه «مسیحیت» و یهودیت جهانی بودند. این‌گونه اعتراضات تا حدود زیادی تحت‌تاثیر سخنان اغتشاشگران شکل گرفت.

یعنی کسانی که هیچ روزی کاری برای ایجاد مودت و نیکی انجام نداده‌اند بلکه تنها تلاش‌شان تحریک احساسات مردم بوده است. به نظر من در این خلأ رسانه‌ای قطب‌نما و جهت‌یاب ما گم شده بود و همین مسأله باید ما را به تفکر جدی و مسوولانه وادارد. نخست باید شورای‌عالی ناظر بر رسانه‌ها دربابد که چگونه می‌توان این تربیین‌ها را ملزم به رعایت ارزش‌ها و سنت‌های جامعه کرد یا نقش آنها را در رسانه‌ها نشان داد بدون اینکه به ورطه تحریک و آتش‌افروزی افتاد. کسی که رسانه‌های ما را این‌چنین روزنه تعقیب کرده باشد دچار حیرت و نگرانی عجیبی خواهد شد زیرا نه تنها با پیام‌های غلط در اکثر آنها مواجه می‌شود بلکه قدرت تشخیص درست یا برداشت صحیح از آنچه در جریان است را از دست می‌دهد و طبعاً خود نیز در همان ورطه‌ای می‌افتد که روزی نسبت به عواقب آن هشدار می‌داد.

منبع:الشرق

جهان

ادامه از صفحه ۶

بازی با آتش

حاصل عمل و عکس‌العمل

آنچه هم‌اکنون در کشورهای اسلامی در مورد انتشار فیلم بی‌گناهی مسلمانان اتفاق افتاده است در چنین چارچوبی قابل تحلیل و بررسی است و مباحث دیگر، تناقضات سوسفستیایی است که بسیار گمراه‌کننده خواهد بود. به همین دلیل چنانچه ماحصل یک برداشت کلی از آزادی بیان، آشوب در بخش وسیعی از جهان و پیامدی چون مرگ و آتش باشد به لحاظ منطقی نقض آشکار مفهوم آزادی است.

اتفاقات اخیر در کشورهای اسلامی را باید با توجه به ماهیت جریان‌های عمل‌کننده در دو طرف منازعه در چارچوب اجتماعی و سیاسی مدنظر قرار داد. در آن طرف ماجرا نیز بنیادگرایان و افراطیون اسلام‌بستیز با استفاده از این حساسیت‌ها سیاست تعامل دینی در حوزه بین‌المللی و مهاجرتیزی در کشورهای غربی را در سیبل توجه خود داشته‌اند. به لحاظ سیاسی وضع از این هم پیچیده‌تر بوده و بروز چنین سناریوهایی بهترین فرصت جهت کسب منافع محلی و اهداف ژئوپلیتیک خواهد بود. قتل «کریس استیونز» سفیر و سه کارمند آمریکایی در کنسولگری این کشور در شهر بنغازی تصویر بدون شرح همین بازی با آتش در محیط پرتنش شاخ آفریقا و خاورمیانه است.

نکته جالب در این بین شهر بنغازی به عنوان پایگاه اصلی غرب در لیبی دچار آشوب در زمان حاکمیت «معمر قذافی» برای تدارک جهت فتح طرابلس و همچنین نقش سفیر مقتول به‌عنوان اصلی‌ترین هماهنگ‌کننده و رابط بین نیروهای خارجی و جنگجویان مخالف قذافی است. این قتل هرچند که در ظاهر هیچ ارتباط خاصی با سازندگان فیلم توهین‌آمیز برقرار نمی‌کند و خارج از عرف مصونیت‌های دیپلماتیک خواهد بود اما تاوان همان گناهی است که در انبار باروت با شعله‌های برافروخته رقص سیاست و کسب منافع ژئوپلیتیک می‌کنند

ریشه‌های تمام این حوادث را از یک طرف باید در میان افراط‌گرایان راست‌گرای سیاسی نهاد قدرت خارجی و بنیادگرایان یهودی – مسیحی در نهاد اجتماعی و از یک طرف دیگر بنیادگرایی مذهبی – عربی که پایگاه‌های مستحکم آنان در وهابیت سعودی قرار دارد یا پس‌زمینه تسویه‌حساب‌های ژئوپلیتیک در حوزه منطقه و بین‌المللی جست‌وجو کرد.



عکس: Reuters

حاکمان ثروتمند عرب از انقلاب می‌گریزند

نفت؛ دیپلماسی، دسته‌چک و سرکوب

ترجمه: محمدعلی عسگری

هستمین چیزی جز نتیجه گناهان ملت‌ها و اصرار در گناهان نیست. اما جماعت اخوان‌المسلمین در مصر اخیراً از مواضع قبلی خود بازگشت و به سعودی‌ها این اطمینان را داد که فراتر گذشته و دست به کارهای جدیدی می‌زنند. امارات متحده در سال گذشته تعدادی مزدور از کلمبیا در صحرای ابوطبسی اجیر کرده و آنها را به کمک شرکت «بلک واتر» آموزش داد؛ شرکتی که به خاطر رسوایی‌هایش در عراق بدنام شده است. رژیم‌های استبدادی از این مزدوران بیگانه به این دلیل استفاده می‌کنند که به نظرشان آنها در برخورد با معترضان کمتر می‌ترسند و خشونت بیشتری دارند. حاکم بحرین نیز تعدادی جنگجوی خارجی به‌ویژه از پاکستان اجیر کرده و در دستگاه‌های امنیتی خود به کار گرفت. حتی مسأله اتحاد بحرین و عربستان سعودی مطرح شد تا بتواند اقدامی پیشگیرانه برای حوادث احتمالی باشد. هدف اصلی از این طرح‌ها و برنامه‌ها همان‌طور که توضیح داده شد، مدعی پیشگیری از قدرت نفوذ ایران در منطقه است. اما در واقع باید گفت همه آنچه دولت‌های حوزه خلیج‌فارس را به تکاپوهایی از این دست واداشت جلوه‌گیری از صدور انقلاب‌های عربی به کشورشان است. به‌خصوص از جانب مصر که در حال حاضر اخوان‌المسلمین در آنجا قدرت را به دست گرفته است. از این رو هر نظری می‌تواند احساس کند که شیوه برخورد کشورهای خلیج‌فارس با انقلاب مصر برخوردی خصمانه است.

خط قرمز «ساحی خلفان» فرماننده پلیس دوسبی در یک ادعا اخوان‌المسلمین را مانند ایران در یک جایگاه قرار داده و به آنان هشدار داد. وی گفت: اخوان‌المسلمین و حکومت‌های دمشق و شمال آفریقا باید بدانند خلیج‌فارس خط قرمز است. نه خط قرمزی برای ایران بلکه برای اخوان نیز؛ ما باید هوشیار و آماده باشیم زیرا هرچه دامنه نفوذ این گروه‌ها بیشتر شود احتمال افزایش تنش‌ها بیشتر است.

روابط مصر و عربستان سعودی نیز ملو از تنش است. یک نمونه از این تنش‌ها بازداشت «احمد جزاوی» یک وکیل مصری فعال در زمینه حقوق‌بشر در عربستان سعودی بود. این امر به تظاهرات جوانان مصری در برابر سفارت عربستان در قاهره منجر شد تا جایی که عربستان مجبور شد سفیرش را از این کشور فراخواند. این وکیل سعی می‌کرد عربستان را وادارد

تا برای آزادی تعدادی از کارگران مصری مهاجر، پرونده قضایی تشکیل داده و اتهام آنها را مشخص کند. اما همین وکیل زمانی که وارد عربستان شد به اتهام قاچاق موادمخدر بازداشت شد؛ اتهامی که کاملاً سیاسی بود.

هراس از بیم صدور انقلاب در عربستان سعودی فراتر از اینهاست: زمانی که جماعت اخوان‌المسلمین در مصر توانستند از طریق یک انتخابات دموکراتیک قدرت را به دست گرفته و «محمد مرسی» را به ریاست‌جمهوری برسانند، نگرانی عربستان دو چندان شد. اخوان‌المسلمین نقش یک اسلام سیاسی فعال را بازی می‌کند. از دوران سرکوبی آنها در دوران جمال عبدالناصر، این گروه همیشه در مخالفت با نظام حاکم گرفت. از آن زمان تاکنون حق مقاومت در برابر حاکمان دیکتاتوری بخشی جدایی‌ناپذیر از ایندولوزی آنها شده است. این در حالی است که روحانیون محافظه‌کار (از جمله در عربستان) از آزادی‌های داخلی بیشتری برخوردار بوده و از سوسی دیگر پادشاهی سعودی نیز هدایای مالی فراوانی در اختیارشان قرار می‌دهد.

احکام شرعی

در عوض، روحانیون سعودی تقریباً بدون قید و شرط، مجیزگوی رژیم استبدادی آل‌سعود هستند. این مسأله در اظهارات مفتی اعظم عربستان نیز انعکاس داشت که با یک فتوای شرعی انقلاب‌آمیزی عربی را محکوم کرده و آنها را غیراسلامی خواند؛ وی در گفت‌وگو با روزنامه‌الوطن عربستان گفت: شکاف و بی‌ثباتی و فقدان شرایط امنیتی مناسب و فروپاشی وحدت کشورهای اسلامی که هم‌اکنون شاهد آن



با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار می‌شه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت هک با پرداخت ماهانه حداقل هزار تومان به بزرگترین خانواده حامی کودکان مبتلا به سرطان پیوندید. اصلاً می‌خواهیم بگویم که با هزار تومان‌های شما در هک چه کار می‌کنیم؛ ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه‌جانبه بیش از ۱۷۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شد‌ایم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بنا نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم مایه قنط‌هزار ار تومان به هک کمک کنین، می‌تونین ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای دجات جان هزاران کودک مشارکت کنید.
برای پیوستن به خانواده بزرگ هک با شماره ۰۲۱-۲۳۵۴۰۰ تماس بگیرید.



برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماست، با شماره تلفن ۰۲۱-۲۳۵۴۰۰ تماس حاصل فرمایید. از اینکه به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.